

بررسی کیفی انگاره‌های ذهنی نادرست از خداوند

کلیه علی محمد میرجلیلی / استاد گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه میبد

سمیه یوسفی / دکترای علوم قرآن و حدیث، دانشگاه میبد

محمدحسین فلاح / دانشیار گروه روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد یزد

احمد زارع زردینی / دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه میبد

دریافت: ۱۳۹۷/۰۶/۱۶ - پذیرش: ۱۳۹۷/۱۱/۰۳

almirjalili@meybod.ac.ir

usofisara@yahoo.com

fallahyazd@iauyazd.ac.ir

zaregardini@gmail.com

چکیده

این پژوهش، با هدف شناسایی خداانگاره‌های نادرست انجام شده است. پژوهش حاضر مطالعه‌ای کیفی از نوع تحلیل محتواست که اطلاعات آن، از طریق نمونه‌گیری مبتنی بر هدف و مصاحبه نیمه‌ساختاریافته، با ۲۲ نفر از دانشجویان دختر مقطع لیسانس دانشگاه میبد، با حداکثر تنوع جمع‌آوری شده است. داده‌ها پس از ۱۸ مصاحبه، به نقطه اشباع رسید، ولی برای حصول اطمینان تا ۲۲ نفر ادامه یافت. پس از پیاده کردن مصاحبه‌های ضبط‌شده، به تحلیل داده‌ها، به روش تفسیری پرداخته شد و کدهای اولیه استخراج گردید. این کدها، براساس شباهت‌ها دسته‌بندی و طبقه‌بندی شده و در قالب مقولات شکل گرفتند. براساس یافته‌های پژوهش، ۱۰۸ مفهوم در کدگذاری اولیه و ۶۸ مقوله در کدگذاری باز به دست آمد که با حذف موارد تکراری، به ۶۲ مفهوم و ۱۸ مقوله تقلیل یافت. برخی از این کدها، عبارتند از: فهم استعاره‌ای از خداوند و صفات او، داشتن حس طلبکارانه نسبت به خداوند، خشمگین شدن خدا در برابر اعتراض به نامالایمات زندگی و

کلیدواژه‌ها: خداانگاره نادرست، مطالعه کیفی، تحلیل محتوا.

(خدانگاره) یکی از محوری‌ترین و مهم‌ترین سازه‌های روانی در حوزه روان‌شناسی دین است که پژوهش‌های زیادی را به خود اختصاص داده است. در حوزه‌های مرتبط و نزدیک به خدانگاره نیز در زمینه خدانداشت (حسینی و قراملکی، ۱۳۹۶) و (خداآگاهی) (نورعلیزاده میانجی، بشیری و جان‌بزرگی، ۱۳۹۱)، پژوهش‌هایی صورت گرفته است. تمایز «خدانداشت» (مفهوم خدا) و «خدانگاره» (تصور از خدا)، در این است که خدانداشت، فهم شناختی شخص از خداوند است و نوعاً پیوند بسیار نزدیکی با خداشناسی شخص دارد. اما «خدانگاره»، درک تجربی شخص از خداوند است که بیشتر بر اثر ارتباط نزدیک با خدا و بازنمایی درونی آنچه در این ارتباط از خدا تجربه و احساس می‌شود، به وجود می‌آید. این ادراک، از طریق تجربیات مذهبی و وجودی افراد شکل گرفته و به صورت احساس معنوی از خدا درمی‌آید؛ مفهوم پیچیده‌ای که دارای ابعاد عاطفی و تجربی است و به تجربیات معنوی و روزمره از خدا بستگی دارد (نورعلیزاده میانجی و بشیری، ۱۳۹۵، ص ۱۱). به عبارت دیگر، خدانگاره به چگونگی احساس فرد، نسبت به خداوند و برداشت و درک فرد مبنی بر چگونگی احساس خداوند نسبت به وی مربوط می‌شود (گریمز، ۲۰۰۷، ص ۱۴۰) و می‌تواند بیانگر درجه رشدیافتگی، استدلال اخلاقی و میزان بلوغ روانی و در نگاهی ژرف‌تر، تمامیت شخصیت فرد باشد. (گاتیس، ۲۰۰۱، ص ۶۶).

خداآگاهی نیز شناخت، توجه و احساس حضور خدا، پیوستگی و تعلق به او و تداوم‌بخشی به ارتباط ناگسستنی با خداست. مفهومی فراتر از خداشناسی، که علاوه بر جنبه‌های شناختی به وجود خداوند، ابعاد هیجانی و رفتاری انسان درباره خداوند را نیز دربر می‌گیرد. در حالت خداآگاهی، فرد معتقد به خدا، همواره به ارتباطش با خدا توجه و احساس فرآیندهای پیدا کرده و رفتار و عملش رنگ و بوی الهی به خود می‌گیرد (نورعلیزاده میانجی و بشیری، ۱۳۹۵، ص ۹). از آنجاکه هدف این پژوهش، شناسایی ادراک‌ها، تصورات و برداشت‌های نادرست افراد از خداوند است، عنوان خدانگاره ترجیح داده شد. انگاره ذهنی از خدا، می‌تواند رضایت فرد از زندگی را تحت تأثیر قرار دهد. این ارزیابی‌ها، شامل واکنش‌های هیجانی فرد به رویدادها، وضعیت روانی و قضاوتش درباره جنبه‌های مختلف زندگی است (حسین‌ثابت و رادی، ۱۳۹۴، ص ۲۱). خدانگاره، نقش مهمی در شناخت افراد و شخصیت آنها خواهد داشت (لارنس، ۱۹۹۷، ص ۲۱۷؛ پلوسو، ۲۰۰۸، ص ۱۷؛ گروسمن، ۲۰۱۰، ص ۱۹۰) و بررسی آن، می‌تواند کیفیت سایر ارتباطات مهم زندگی روانی فرد را به ما بشناساند.

خدانگاره یا تصور از خدا، به‌عنوان درک تجربه‌ای شخص از خدا، با بسیاری از کارکردهای روان‌شناختی و دینی رابطه معنادار دارد (نورعلیزاده میانجی و بشیری، ۱۳۹۵). نتایج پژوهش لارنس (۱۹۹۷)، بیانگر این است که «خدانگاره»، با حرمت خود و جهت‌گیری مذهبی درونی همبستگی مثبت و با ازخودبیگانگی، دل‌بستگی نایمن، خودمحوری و ناشایستگی اجتماعی، همبستگی منفی معناداری دارد (نورعلیزاده میانجی و همکاران، ۱۳۹۱). (بنسون و اسپیلکا) (۱۹۷۳) گزارش کردند که بین تصور از خود، به‌ویژه حرمت خود و تصور از خدا ارتباطی مثبت وجود دارد؛ هرچه حرمت خود و تصور از خود مثبت‌تر بود، خدا مثبت‌تر، حامی‌تر، مهربان‌تر و قدرتمندتر تصور می‌شود (همان).

نتایج تحقیقات بنسون (۱۹۹۶): کریستی، (۱۹۹۸): ایستبروک، (۱۹۹۹) و فانیولی (۱۹۹۷)، هم نشان داد که انگاره ذهنی مثبت به خدا، موجب ارتباط عاطفی بیشتر و نزدیکی به خدا شده و افزایش سلامت روان انسان را به دنبال دارد. ارتباط بین انگاره ذهنی منفی از خدا (تصور خدا به عنوان نیروی انتقام‌گیر و خشمگین)، با روان‌پریشی نیز نشان داده شده است. آراین دل و اتما (۱۹۸۶)، در طی پژوهشی نشان دادند که دانشجویانی که خداوند را بیشتر با صفت خشمگین و انتقام‌گیر تصور می‌کنند، از روان‌پریشی بالاتری برخوردار هستند (ر.ک: غباری بناب و حدادی کوهسار، ۱۳۸۹). به عقیده ریان (۲۰۰۱)، انگاره ذهنی منفی از خدا، آثار زیان‌باری بر سلامت روانی، رفتار بین فردی و خودپنداره فرد بر جای می‌گذارد و با احساس بی‌لیاقتی ارتباط دارد (ر.ک: نورعلیزاده میانجی و همکاران، ۱۳۹۱). تحقیقات براد شاو و همکاران (۲۰۰۸)، نشان داد که بین انگاره ذهنی مثبت از خدا و گستره وسیعی از نشانگان رفتاری، شامل شکایت جسمانی، وسواس، افسردگی، اضطراب، خصومت، افکار پارانوئیدی و روان‌پریشی همبستگی منفی و معناداری وجود دارد. فلانلی و همکاران (۲۰۰۹)، نیوتون و مکین تاش (۲۰۱۰)، به این نتیجه رسیدند که افراد با انگاره ذهنی مثبت به خدا، از مقابله‌های روان‌شناختی بالایی برخوردارند و موقعیت‌ها را به صورت مثبت ارزیابی می‌کنند (ر.ک: برآبادی، ۱۳۹۴).

نتایج تحقیقات بررسی رابطه درک از خدا و رضایت از زندگی، در دانشجویان دانشگاه شیراز (حسین ثابت و رادی، ۱۳۹۴)، مقایسه کیفیت تصور از خدا در بیماران افسرده و افراد سالم (برآبادی، ۱۳۹۴)، پیش‌بینی سلامت عمومی براساس تصور مثبت و منفی از خدا، در دانشجویان (پرزور و همکاران، ۱۳۹۴)، ارتباط تصور از خدا با جنسیت، سن، تحصیلات، نوع رابطه با والدین و سایر اعضای خانواده (علیانسب، ۱۳۹۰)، بررسی رابطه بین تصور از خدا و افسردگی در دانشجویان دختر و پسر (زارعی، ۱۳۸۸)، بررسی رابطه تصور از خدا با تصور از والدین، خود و دیگران مهم در دختران و پسران دانشجو (صادقی و همکاران، ۱۳۸۷)، بیانگر ارتباط روان‌شناختی بین خداانگاره، با سایر متغیرهای روان‌شناختی است.

این تحقیقات نشان می‌دهند که تصور مثبت از خدا و ارتباط نزدیک با او موجب افزایش سلامت جسم و روان خواهد شد. در تصور مثبت، خدا به صورت موجودی مهربان، حمایتگر و راهنما تصور می‌شود که نقش آرامش‌بخش دارد. در تصور منفی، خدا با اصطلاحات منفی همچون طردکننده، نامهربان، سخت‌گیر و مانند آن تصور می‌شود که موجب نومیدی، تنفر و خلق منفی در افراد می‌شود (خاکساری و خسروی، ۱۳۹۱، ص ۸۵).

افزون بر این تحقیقات، آموزه‌های اسلامی است که در آنها به ارتباط بین خداانگاره افراد و تبعیت از خداوند، اشاره شده است. خداانگاره صحیح (مثبت) از خداوند، منجر به اعتماد به خدا و اطاعت‌پذیری و خداانگاره نادرست (منفی)، به عدم اعتماد و نافرمانی از خدا خواهد انجامید. این ادراک، که اگر خداوند انسان را یاری کند، هیچ کس بر او چیره و غالب نخواهد شد، و اگر او را واگذارد، کسی توانایی یاری دادن به او را ندارد، موجب می‌شود تا انسان‌ها بر خدا توکل کنند (آل عمران: ۱۶۰).

مجادله (برای مطالعه بیشتر، ر.ک: مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۱، ج ۱۴، ص ۱۲) در صفات خداوند بدون علم موجب دوری از خدا و تبعیت از غیرخدا خواهد شد (حج: ۳). براساس آموزه‌های قرآن، انگاره ذهنی از خداوند، احساس و عمل سه مقوله در ارتباط با هم هستند. نوع انگاره ذهنی از خدا بر نوع احساس (نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق، نامه ۶۲) و نوع احساس، بر نوع عملکرد انسان اثر می‌گذارد (آل عمران: ۳۱).

انگاره صحیح (مثبت) نسبت به خداوند، موجب محبت افراد نسبت به خداوند و نزدیکی به او خواهد شد و به عکس انگاره نادرست (منفی) نسبت به خداوند، موجب دوری از خداوند و عدم تبعیت از دستورات او می‌شود (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۴). با نزدیک کردن افراد به خداوند و به تبع آن، پیروی از دستورات خداوند، لازم است تا انگاره‌های صحیح از خداوند، ارائه و آموزش داده شود، ولی لازمه این کار، شناسایی انگاره‌های ذهنی نادرست از خداوند است که هدف این پژوهش، را تشکیل می‌دهد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر، مطالعه‌ای کیفی از نوع تحلیل محتواست. مطالعه کیفی، هر نوع تحقیقی است که یافته‌های آن از طریق فرایندهای آماری و با مقاصد کمی‌سازی به دست نیامده باشد. داده‌های این نوع تحقیق، از طریق مشاهده، مصاحبه و یا تعامل‌های شفاهی گردآوری شده و متمرکز بر معانی و تفسیرهای مشارکت‌کنندگان در آن است (محمدپور، ۱۳۵۵، ص ۱۰۰). هدف از تحقیق کیفی، توصیف واقعیت‌ها از دید آزمودنی‌ها و تعریف موقعیت افراد مورد مطالعه، شامل رفتار قابل مشاهده، انگیزه‌ها، احساسات و هیجانات ذهنی آنان است و رویدادهای درونی فقط از طریق تجربه شخصی محقق در مورد اینکه زندگی خود را چگونه می‌بینند و تفسیر می‌کنند، قابل درک است (تریسی، ۱۳۹۴، ص ۷۹).

نمونه‌گیری و جامعه و نمونه آماری

در این تحقیق، از شیوه نمونه‌گیری هدفمند، با راهبرد تغییرات بیشینه استفاده شده است. در این حالت، افرادی انتخاب می‌شوند که در مورد پدیده اصلی دیدگاه‌های متفاوتی دارند. ملاک و معیار به حداکثر رساندن تفاوت‌ها، به مطالعه موردنظر بستگی دارد. این معیار، می‌تواند نژاد، جنسیت، میزان سواد، یا هر عاملی باشد که شرکت‌کنندگان را از هم متمایز می‌سازد. ایده اصلی در این رویکرد، این است که اگر شرکت‌کنندگان به صورت هدفمند متفاوت انتخاب شوند، دیدگاه‌های آنان این تفاوت‌ها را نشان خواهد داد و یک مطالعه کیفی خوب را فراهم خواهد آورد (جان کرسول، ۱۳۹۰، ص ۱۲۳). با توجه به این توضیحات، جامعه آماری این پژوهش را دانش‌پژوهان دختر رشته‌های غیرالهیات مقطع کارشناسی، سال تحصیلی ۹۲-۹۶ دانشگاه میبد تشکیل می‌دهند. از انتخاب نمونه‌ها از میان ۵۸۰ نفر دانشجوی دختر غیرالهیات، با حداکثر تنوع (از طریق نمونه‌گیری طبقه‌ای)، از تمام رشته‌ها صورت گرفت و سپس، از میان هر طبقه، افرادی به صورت هدفمند انتخاب شدند.

ملاک ورود نمونه، رضایت شرکت‌کنندگان، مؤنث و مسلمان بودن افراد (اعتقاد به اصول دین) و ملاک خروج، تحصیل در رشته الهیات و داشتن سابقه بیماری روان‌شناختی در سطح اختلالات بالینی شخصیت، به تشخیص روان‌پزشک بوده است. داده‌ها بعد از ۱۸ مصاحبه، به نقطه اشباع رسید. ولی برای حصول اطمینان تا ۲۲ نفر ادامه یافت. میانگین سنی نمونه‌ها، حدود ۲۲ (از ۱۹-۲۵) سال و انحراف استاندارد ۲/۱۱ بوده است.

از آنجاکه جنسیت افراد، می‌تواند در نوع ادراک افراد از خداوند مؤثر باشد (لویین، تیلور، و چاترز، ۱۹۹۴، ص ۱۳۷-۱۴۵)، در جامعه آماری دانشجویان دختر انتخاب شدند. و از آنجاکه امکان داشت، دانشجویان در پاسخ به سؤالات، اطلاعات مربوط به رشته تخصصی خود را - بدون اعتقاد - ارائه دهند، از دانشجویان غیر رشته الهیات استفاده شد. از لحاظ ویژگی‌های مذهبی، تمامی قشر مورد مصاحبه، اصول دین را قبول داشتند. اما اکثر آنان در زمینه پابندی به فروع دین، مانند اقامه نماز، گرفتن روزه و یا رعایت پوشش اسلامی، دارای ضعف بودند. از آنجاکه ممکن است نوع فرهنگ هر جامعه، بر میزان پابندی به فروع دین اثر بگذارد، در این تحقیق سعی شده که جامعه آماری از قومیت‌ها و فرهنگ‌های متفاوت (فارس، عرب، ترک، لر، کرد، بختیاری) انتخاب شوند.

ابزار پژوهش

در این تحقیق، برای دستیابی به داده‌های پژوهش، از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته، استفاده شده است. مصاحبه نیمه‌ساختاریافته مصاحبه‌ای است که در آن، سؤالات مصاحبه از قبل مشخص می‌شود و از تمام پاسخ‌دهندگان، پرسش‌های مشابه پرسیده می‌شود. اما آنان آزادند که پاسخ خود را به هر طریقی که می‌خواهند، پاسخ دهند. البته در راهنمای مصاحبه جزئیات مصاحبه، شیوه بیان و ترتیب آنها بیان نمی‌شود. این موارد، در طی فرایند مصاحبه تعیین می‌شوند (کریمی و نصر، ۱۳۹۲، ص ۷۴).

از آنجاکه شناخت خداوند، مستلزم شناخت صفات اوست، برای استخراج انگاره‌های نادرست از خداوند، سؤالات مصاحبه براساس صفات خداوند در قرآن و روایات طراحی شد پس از اعمال نظر ۴ نفر از استادان و کارشناسان در حوزه علوم قرآن و حدیث و حذف یا اصلاح برخی، سؤالات به تأیید نهایی رسید.

شیوه انجام مصاحبه

برای انجام مصاحبه، پژوهشگر ضمن برقراری ارتباط، جلب رضایت و اعتماد مصاحبه‌شوندگان برای همکاری صادقانه، ابتدا با جلب اطمینان آنان، اجازه مصاحبه را گرفته و سپس، در محلی که مصاحبه‌شوندگان راحت‌تر باشند، اقدام به انجام مصاحبه می‌کند. در حین مصاحبه، از گفت‌وگوها یادداشت‌برداری و با رضایت مصاحبه‌شوندگان، ضبط صدا انجام خواهد گرفت. این نوع مصاحبه، جنبه تعاملی دارد و انجام آن، به گونه‌ای است که مشارکت‌کننده به طور طبیعی صحبت کند،

فکر کند و واقعیت را سازماندهی کند (بازرگان هرندی، ۱۳۹۳، ص ۷۸). مصاحبه و جمع‌آوری اطلاعات، باید تا زمانی ادامه یابد که افزایش اطلاعات، مفاهیم، تحولات، خرده مقولات و تنوع‌های جدید به دست ندهد و به اصل اشباع نظری برسد این امر، به بزرگی جامعه مورد مطالعه و مسئله تحقیق بستگی دارد (ذکایی، ۱۳۸۱، ص ۶۰). مصاحبه‌های مورد استفاده در این پژوهش در فاصله زمانی حداقل ۶۰ دقیقه و حداکثر ۹۰ دقیقه انجام گرفته است.

روش تحلیل داده‌ها

در این پژوهش، برای تحلیل داده‌ها از روش تحلیل تفسیری استفاده گردید. در این روش، پژوهشگر درصد است تا در حد امکان، به آشکار کردن پیام‌های نهفته در متن نوشتاری مصاحبه پردازد. بدین منظور، متن مصاحبه باید به طور کامل و با شرح جزئیات نوشته شود تا بتوان به درک کاملی از آنچه مصاحبه‌شونده گفته، دست یافت (کریمی و نصر، ۱۳۹۲، ص ۸۰). زمانی که پژوهشگر با استفاده از روش کدگذاری باز، رمزگذاری را انجام می‌دهد، رمزها را براساس معنای مورد نظر مصاحبه‌شوندگان تعریف می‌کند (همان، ص ۸۲).

پس از رمزگذاری و استخراج کدهای اولیه، کدها براساس شباهت‌ها دسته‌بندی و طبقه‌بندی شده و در قالب مقولات شکل می‌گیرند. لازم به یادآوری است که پس از پیاده کردن مصاحبه و گزاره‌نویسی، گزاره‌هایی مورد تحلیل قرار گرفتند که به خدانگار (ادراک) نادرست مربوط می‌شدند. مبنای تشخیص خدانگار درست از نادرست، انگاره‌های صحیحی از خداوند است که از قرآن و روایات، استخراج شده است و بیان آنها، به علت طولانی شدن تحقیق، نوشتار جداگانه‌ای را طلب می‌کند. اما برای نمونه، در برخی موارد به آنها اشاره خواهد شد.

یافته‌های پژوهش

براساس یافته‌های پژوهش، در نهایت ۱۰۸ مفهوم در کدگذاری اولیه و ۶۸ مقوله در کدگذاری باز، به دست آمد که با حذف موارد تکراری، به ۶۲ مفهوم و ۱۸ مقوله تقلیل یافت که به‌عنوان انگاره‌های ذهنی نادرست از خداوند، شناخته شدند و این انگاره‌ها عبارتند از:

۱. فهم استعاره‌ای از خداوند و صفات او

یکی از ادراکات نادرستی که در مصاحبه با دانشجویان قابل توجه است، تشبیه‌سازی خداوند در صفاتش به بندگان است. تشبیه مصدر باب تفعیل، از ریشه «ش - ب - ه» در لغت مانند کردن چیزی به چیزی (ابن منظور، ۱۴۰۸ق، ج ۷، ص ۳۳) و در اصطلاح علم بیان، مانند کردن چیزی به چیزی در صفتی و در اصطلاح متکلمان، مانند کردن خداوند به خلق و بیشتر به انسان است (شهرستانی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۹۳ و ۱۷۳). تشبیه به این معنا (کلامی)، همان ادراک نادرستی است که در مصاحبه با دانشجویان به دست آمده است. این نوع تشبیه، مستلزم نقص بوده و در آیات و روایات از آن نهی شده است (نحل: ۷۴؛ شوری: ۱۱)، استمرار بر این امر، توقعات و پیامدهای سوئی را رقم زده و راه رسیدن به سعادت در پرتو معرفت و

قرب الهی را می‌بندد (صدوق، ۱۳۹۸ق، ص ۶۹؛ حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۸، ص ۳۳۹). با توجه به سؤالاتی که از دانشجویان پیرامون تصور آنها از خداوند و ذهنیتشان از توحید (توحید در خوف و خشیت)، اقتدار، خالقیت، عدل، رحمت و هدایتگر بودن خداوند پرسیده شد، آنها خداوند را به موجودی مادی، دارای این صفات تشبیه کردند. تشبیه‌سازی خداوند به پیرمرد سفیدپوش یا پیرمرد عالم، با محاسنی سفیدرنگ در هنگام تصور خدا؛ تشبیه خداوند به نگهبان یا انسان قدرتمند، در ترس از خدا؛ و به کوه استوار یا مرد کت و شلوار توپا و دانا، پادشاه و پدری قدرتمند و فرمانده سپاه در اقتدار خدا؛ به بنا، سفالگر ماهر و معمار در خالقیت خدا؛ به قاضی، پدر و مادر یا فرد ترازو به دست در عدل خدا؛ و به رهبر یا سرگروه، انسان تذکردهنده و هادی و شخص راهنما در هادی بودن خدا؛ و به مرد مهربان و خوش‌قیافه، معلم مهربان و والدین مهربان در رحمت خدا، از جمله تصورات غلطی است که می‌توان از آن یاد کرد. به عنوان نمونه، یکی از دانشجویان در پاسخ به این سؤال، که در ترس از خدا، خدا را به چه تشبیه می‌کنید، گفت: «خدا را به انسانی قدرتمند که توانایی دارد بدترین اتفاقات را برایت به وجود آورد و تو را نابود کند، تشبیه می‌کنم» (شرکت‌کننده ۱).

۲. اختصاص خداوند به موقعیت‌های مرزی

منظور از موقعیت‌های مرزی، مراجعه به خداوند در زمان‌ها و موقعیت‌های خاص و بخصوص در مواقع گرفتاری است (یونس: ۱۲). براساس آموزه‌های قرآن، انسان خردمند (آل عمران: ۱۹۰-۱۹۱) و مؤمن (احزاب: ۴۱-۴۲)، کسی است که در تمام احوالات خود به یاد خدا باشند و او را به موقعیت خاصی اختصاص ندهد.

براساس مصاحبه‌ای که از دانشجویان به عمل آمد، اکثر آنها اذعان کردند که در مواقعی که غم و غصه بر آنها غالب می‌شود، به سراغ خداوند می‌روند و در زمان شادی‌ها، توجه کمی به خدا دارند یا او را فراموش می‌کنند. برای نمونه، یکی از دانشجویان می‌گوید: «در شادی زیاد به خدا فکر نمی‌کنم، ولی در غم بیشتر به خدا فکر می‌کنم، در غم و غصه گوش کردن آهنگ، رفتن به بیرون و تنهایی در اولویت است. در مواقعی که خیلی غمگین هستم با خدا حرف می‌زنم و گاهی که از همه جا ناامیدم، نماز هم می‌خوانم (زیاد اهل نماز خواندن نیستم) (شرکت‌کننده ۳).

۳. ادراکات نادرست در توکل به خداوند

با توجه به تحلیل داده‌ها و مرحله کدگذاری در قسمت توحید در استعانت، سه مقوله به دست آمد که ذیل مقوله کلی «ادراکات نادرست در توکل به خداوند» قرار گرفت. در ادامه، به توضیح هر یک از این مقوله‌ها، به صورت جداگانه خواهیم پرداخت.

الف. شک در اعتماد و توکل به خداوند

برخی شرکت‌کنندگان در پاسخ به اینکه چرا در برخی کارها، به دروغ یا فراهم کردن آشنا یا دادن هدیه متوسل شده و به خدا اعتماد نکردند، استعانت از خداوند را بی‌نتیجه دانسته، و گفتند: «گاهی در انجام کاری که می‌خواستم به نتیجه برسد، دروغ گفتم، چون قبلاً، به خدا اعتماد کردم و خیلی صبر کردم و به نتیجه نرسیدم. از این‌رو زده شدم و به دروغ متوسل شدم» (شرکت‌کننده ۱۳).

بعضی دیگر نیز از اعتماد بر خداوند ترس داشته که شاید خداوند صلاح ندادند و کارشان سریع انجام نشود. در برخی مواقع برای اینکه کارم به نتیجه برسد به دروغ یا هر کار دیگری متوسل شدم؛ چون با هریک از این روش‌ها کارم زودتر حل می‌شد در این مواقع، به خدا اطمینان نکردم که شاید خدا صلاح ندادند، کارم سریع انجام شود (شرکت‌کننده ۱۴).

ب. برداشت نادرست از مفهوم توکل

صرف‌نظر از استفاده از راه‌های نامشروع در رسیدن به هدف، تسریع در انجام امور با استفاده از عوامل مادی، نسبت به عوامل معنوی (توکل بر خداوند)، از جمله ادراکات نادرستی است که از پاسخ‌های شرکت‌کنندگان در مصاحبه قابل برداشت است. مواردی بوده که در انجام کاری که طمع داشتیم به سرانجام برسد به دروغ یا هر نوع کار دیگری متوسل شدم. علت این نوع عملکرد این بود که در برخی موارد، چند سال صبر کردم و چون نتیجه نگرفتم، به عوامل مادی متوسل شدم و در برخی موارد صبر هم نکردم و از عوامل مادی که در دسترس بود کمک گرفتم. (شرکت‌کننده ۲۱).

مواردی بوده که در کاری که طمع داشتیم به سرانجام برسد به دروغ یا هر نوع کار دیگری متوسل شدم چون فکر می‌کنم انسان‌ها بیشتر و سریع‌تر کارمان را انجام می‌دهند (شرکت‌کننده ۳).

به نظر می‌رسد که، آنها برخلاف آنچه خداوند در قرآن می‌فرماید (نجم: ۳۹)، توکل را به معنای دست روی دست گذاشتن و واگذار کردن کارها به عهده خداوند می‌دانند.

ج. توکل به خدا در انجام کار خطا

یکی دیگر از انگاره‌های نادرستی که ذیل توکل به خداوند می‌توان از آن یاد کرد، توکل به خدا در انجام کار خطاست. در برخی مواقع برای انجام کاری که طمع داشتیم به سرانجام برسد، به دروغ یا دادن هدیه متوسل شدم. البته، به خدا هم اعتماد کردم، ولی چون طرفم کسی بود که ممکن بود هدیه را از کس دیگری بگیرد، من پیشدستی کردم تا حقم ضایع نشود (شرکت‌کننده ۱).

با دقت در این گزاره، روشن می‌شود که فرد برای انجام گرفتن کارش، از یک‌سو، به خدا توکل کرده، ولی از سوی دیگر، اقدام به دادن رشوه کرده است.

مراجعه به آیات قرآن نشان می‌دهد که جمع توکل بر خدا، با این عملکرد خلاف صحیح نیست؛ زیرا در بسیاری از آیات قرآن قبل از توکل بر خداوند، از ایمان سخن به میان آمده و این امر نشان می‌دهد که لازمه توکل بر خداوند، ایمان به اوست. آیه ۶۵ سوره «نساء» نشان می‌دهد که کسانی از مقام ایمان برخوردار هستند که در برابر آنچه خدا و رسول خدا ﷺ بدان دستور داده‌اند، تسلیم و راضی (ظاهری و درونی) باشند و مسلماً خدا و رسول خدا ﷺ به انجام چنین امور خلافی دستور نداده‌اند.

۴. اعتقاد به تبعیت احکام دین از عرف زمانه

عرفی دانستن و تشخیص نادرست موضوعات احکام، از جمله مفاهیمی است که تنها به جامعه آماری این پژوهش محدود نمی‌شود و کل جامعه اسلامی را دربر می‌گیرد. برای نمونه یکی از دانشجویان می‌گوید: آرایش در بیرون از خانه در حد کم اشکالی ندارد، خدا در قرآن چنین چیزی نگفته که اصلاً آرایش نکنید. خدا در قرآن گفته که زیستن برای شوهرانتان آشکار و برای دیگران آشکار نکنید. خدا انسان را این قدر محدود نمی‌کند، آن هم در جامعه الان که همه آرایش می‌کنند و این آرایش کم آن قدر نیست که کسی را تحریک کند. خداوند فرموده که آراسته باشید و این آرایش کم جزء آراسته بودن است (شرکت کننده ۱۳).

۵. داشتن حس طلبکارانه نسبت به خداوند

متأسفانه، بسیاری از ما انسان‌ها فکر می‌کنیم که خداوند باید هر آنچه را که از او درخواست می‌کنیم، برایمان فراهم کند و وقتی این تفکر عملی نمی‌شود، از او طلبکار شده، و می‌گوییم: چون خدا به خواسته‌های ما توجه نکرد، ما هم از فرامین او اطاعت نمی‌کنیم. برای نمونه، یکی از شرکت‌کنندگان در پاسخ به این سؤال که اگر در مسئله‌ای بین خواسته خداوند و کسی که به او بسیار علاقه‌مند هستید، تضاد وجود داشته باشد، به خواسته چه کسی عمل می‌کنید؟ می‌گوید: بیشتر به خواسته کسی که دوستش دارم عمل می‌کنم. به علت خواسته‌هایی که داشتیم و اصرار داشتیم به آنها برسیم و خداوند به من نداد و اگر خواسته‌هایم را برآورده می‌کرد، هرگز به سمت غیر از او نمی‌رفتم (شرکت کننده ۲۱).

و دیگری می‌گوید: مواردی پیش آمده که به خاطر پاسخ نگرفتن از خداوند، با او قهر کرده، از او طلبکار شده و در انجام واجبات شرعی کوتاهی کردم. علت عملکردم این است که انتظار داشتیم خدا به من کمک کند؛ چون خیلی شنیدیم که مهربان است، ولی وقتی انتظارم برآورده نشد و به من کمک نکرد، ناراحت شدم و همینطور که من را نادیده گرفت، او را نادیده گرفتم (شرکت کننده ۳).

۶. دیدگاه افراطی نسبت به صفات خداوند

نظر داشتن افراطی به آموزش، رحمت و منتقم بودن خداوند، از مفاهیمی است که ذیل این مقوله قرار می‌گیرد. از آیات قرآن برداشت می‌شود که خداوند، به واسطه رحمتش همه گناهان بندگان خود را خواهد بخشید. ولی این بخشیدن، مشروط به توبه و تسلیم خدا شدن و تبعیت از دستورات اوست (زمر: ۵۳-۵۵). اما پاسخ شرکت‌کنندگان به سؤالات پرسیده، شده حاکی از رحمت و آموزش بی‌قید و شرط است، به گونه‌ای که با این امید، خواسته‌های شخصی خود را بر دستورات خداوند ترجیح داده، در تنهایی مرتکب خطا و گناه شده و از انجام حقوق الهی سر باز می‌زدند. اگر در مسئله‌ای بین خواسته خداوند و کسی که به او بسیار علاقه‌مند هستیم تضاد وجود داشته باشد، به خواسته کسی که دوستش دارم عمل می‌کنم. به علت دوست داشتن آن فرد و امید به بخشش خدا (شرکت کننده ۹).

«اگر یقین حاصل کنم که نظر خداوند در انجام کاری است که در ظاهر به ضرر من است، آن کار را انجام نمی‌دهم؛ ولی به رحمت خدا امیدوارم» (شرکت کننده ۱۷).

«با اینکه اعتقاد دارم که خدا من را در تنهایی می‌بیند، ولی باز هم کار خطا را انجام داده‌ام چون اراده ندارم و نمی‌توانم جلوی وسوسه‌ام را بگیرم و می‌گویم: خدا می‌بخشد» (شرکت‌کننده ۲۰).

«غفاریت خداوند تا حدی است که حق‌الناس را نمی‌بخشد، ولی حق‌الله را می‌بخشد حتی عمدی» (شرکت‌کننده ۱۴).

البته برخی افراد نسبت به منتقم بودن خداوند، افراطی‌نگر بودند و معتقد بودند: شاید عذاب و انتقامی در دو جهان وجود نداشته باشد: «خداوند در این دنیا انتقام نمی‌گیرد، در آن دنیا هم شاید عذابی وجود نداشته باشد؛ چون تا به حال ندیدم از کسی انتقام بگیرد» (شرکت‌کننده ۱۴). درحالی‌که قرآن خداوند را صاحب انتقام معرفی کرده است (ابراهیم: ۴۶-۴۷).

۷. ترجیح غیر خداوند بر خداوند

درحالی‌که آیات و روایات معصومان علیهم‌السلام حاکی از این هستند که اطاعت از مخلوق، که از رهگذر نافرمانی خداوند باشد، جایز نیست (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۶۱۸)؛ سوالات پرسیده شده از دانشجویان، مبنی بر نوع عملکرد آنها به هنگام تضاد بین خواسته خداوند و فرد مورد علاقه آنها، یا تضاد میان حق و ناحق یا انجام نظر خدا، که به ظاهر به ضرر آنهاست، نشان داد بسیاری از آنها، به بهانه امید به بخشش خداوند، عشق و علاقه دنیوی را بر عشق و علاقه به خداوند ترجیح دادند. «اگر در مسئله‌ای بین خواسته خداوند و کسی که به او بسیار علاقه‌مند هستم تضاد وجود داشته باشد، به خواسته کسی که به او علاقه دارم، عمل می‌کنم؛ چون در بعضی مواقع، خواسته کسی که دوستش دارم با خواسته خودم یکی است و در بعضی مواقع، مجبور می‌شوم به خواسته‌اش عمل کنم؛ چون می‌خواهم ناراحت نشود، ولی خدا می‌بخشد» (شرکت‌کننده ۲۰).

«اگر در مسئله‌ای یقین حاصل کنم که حق با اعضای خانواده من نیست، اگر بدانم که اتفاق خاصی نمی‌افتد و شرایط عادی است، سکوت می‌کنم؛ ولی اگر بدانم که نجات خانواده‌ام در گرو حرف من است، طرف خانواده‌ام را می‌گیرم؛ چون خانواده‌ام همه چیز من است» (شرکت‌کننده ۳).

برخی نیز عقل و فهم شخصی خود را بر نظر خداوند ترجیح داده و گفتند:

«اگر یقین حاصل کنم که نظر خداوند در انجام کاری است که در ظاهر به ضرر من است، نظر خودم را انجام می‌دهم؛ چون نظر خودم برایم مهمتر است و فکر می‌کنم بیشتر به نفعم است» (شرکت‌کننده ۱۴).

۸. انجام کار برای خلق خدا و نه خداوند

بیشتر افراد مورد‌مصاحبه در پاسخ به این سؤال، که واکنش شما در قبال کسی که کاری را برایش انجام می‌دهید؛ اما در مقابل از او بی‌مهری و حتی دشنام می‌شنوید، چیست؟ از انجام آن کار اظهار پشیمانی کردند. «در صورت بی‌مهری و دشنام از انجام آن کار پشیمان می‌شوم» (شرکت‌کننده ۲).

تعداد کمی از کار خود پشیمان نشده و گفتند که دیگر کمک خود را تکرار نمی‌کنند: «از کارم پشیمان نمی‌شوم ولی دیگر برایش کاری انجام نمی‌دهم» (شرکت‌کننده ۳).

برخی هم کمک نکردن خود را مقید به تکرار این بی‌مه‌ری کردند: «در ابتدا ادامه می‌دهم؛ ولی اگر ادامه یافت در نهایت، از انجام آن منصرف می‌شوم» (شرکت‌کننده ۶). برخی دیگر، به شرط قربات و نزدیکی طرف مقابل، کمی انعطاف به خرج دادند:

«اگر خیلی به آن فرد نزدیک باشم و بشناسمش تا زمانی که از او دلگیرم برایش کاری انجام نمی‌دهم (زود فراموش می‌کنم)» (شرکت‌کننده ۲۲).

همه این افراد بدون اینکه رضایت خدا را در نظر داشته باشند، به رضایت خلق خدا چشم داشتند که اگر چنین نبود، باید بدون هیچ انتظار و قیدی به کار خود برای خدا ادامه می‌دادند و اظهار پشیمانی نمی‌کردند.

۹. دیدگاه جبرگرایانه نسبت به صفات خداوند

از جمله مقولات استخراج‌شده از مصاحبه مرتبط با توحید در دعا، نگرش جبرگرایانه نسبت به صفات خداوند است. بی‌تأثیر دانستن دعا در اراده خداوند، از مفاهیمی که ذیل این مقوله قرار می‌گیرد، «به تأثیر دعا کم اعتقاد دارم. فکر می‌کنم دعای من هیچ تأثیری در اراده خدا ندارد و خداوند صدای من را نمی‌شنود» (شرکت‌کننده ۱۹). درحالی‌که قرآن می‌فرماید: «قُلْ مَا يَعْجَبُ بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ» (فرقان: ۷۷): اگر دعایتان نباشد پروردگارم به شما ارجی نهد.

۱۰. دیدگاه تفریطی نسبت به صفات خداوند (توحید در رجا و منتقم بودن خداوند)

برعکس دیدگاه افراطی، برخی نگاه تفریطی به صفات خداوند دارند. برای نمونه، عده‌ای بر این باورند که استفاده از اسباب مادی، موجب می‌شود تا سریع‌تر به هدفشان برسند، تا اینکه امید داشته باشند، خدا به آنها کمک کند. «بعضی وقت‌ها بدون در نظر گرفتن خدا یا ناامیدی از او، سعی کردم تا از طریق اسباب مادی به نتیجه دلخواهم برسم، چون خدا اگر می‌خواست کمک کند کم‌کم می‌کرد، خودم باید کاری می‌کردم» (شرکت‌کننده ۲۰).

برخی معتقد بودند که خداوند پس از انجام هر گناه، مترصد فرصتی است تا از گناهکاران انتقام گرفته و آنها را به دردسر بیناندازد: «حساسیت زیادی نسبت به عذاب‌های الهی دارم؛ چون خداوند عادل است و پاسخ کارهایمان را چه در این دنیا و چه در آن دنیا می‌دهد. این ذهنیت ناشی از تجربه شخصی است» (شرکت‌کننده ۷).

۱۱. ارتباط دادن خداوند با داشته‌ها و نداشته‌های مادی

یکی از رفتارهای نادرست، که ناشی از خداانگاره نادرست ما انسان‌ها از خداوند است، ارتباط دادن خداوند با داشته‌ها و نداشته‌های مادی است بدین ترتیب، که بدون در نظر گرفتن این اصل قرآنی که لطف یا مجازات خداوند بی‌مقدمه، شامل حال کسی نخواهد شد (رعد: ۱۱)، داشته‌ها و موفقیت‌های دیگران یا از دست دادن متعلقات دنیایی اعم از مال، جان، آبرو و... را به خدا نسبت داده و از او رنجیده و طلبکار می‌شویم: «اگر روزی متعلقات دنیایی از من گرفته شود از خدا رنجیده و حتی طلبکار هم می‌شوم» (شرکت‌کننده ۳).

۱۲. نزدیکی با خدا مستلزم رنج و سختی

یکی از ادراکات غلط و عوامانه رایج این است که هر کسی به خدا نزدیک تر باشد، رنج و سختی بیشتری می بیند. پس همان بهتر که در حالت اعتدال باقی بمانیم و به خدا نزدیک نشویم. این عبارت که در قالب سؤال از قشر مورد مصاحبه پرسیده شد، مورد موافقت اکثر آنها قرار گرفت. به دلیل موافقت با محتوای شعر «هر که در این بزم مقرب تر است / جام بلا بیشترش می دهند»، آنها عبارت دوم ذیل را نیز به دلایلی تأیید کردند و برخی به قدرت تحمل پایین خود اشاره کردند.

«با این بیت شعر «هر که در این بزم مقرب تر است جام بلا بیشترش می دهند» و این جمله «لازمه نزدیکی به خدا تحمل رنج و درد و سختی است، پس همان بهتر که در حالت اعتدال باقی بمانیم»، موافقم؛ چون تحمل سختی زیاد را ندارم و اگر زیاد سختی بکشم، شاید خدا را کنار بگذارم» (شرکت کننده ۷).
برخی دیگر، ترس از بلاهای بیشتر را نیز اضافه کردند. «با هر دو جمله موافقم. علت موافقت با این جمله، ترس از بلاهای بیشتر است، تحمل آن را ندارم» (شرکت کننده ۱۹).

۱۳. خشمگین شدن خدا در برابر اعتراض به نامالایمات زندگی

برخی از شرکت کنندگان، به دلیل این اعتقاد که اعتراض نسبت به نامالایمات زندگی، موجب خشمگین شدن خدا و تشدید آن خواهد شد، از اعتراض و اظهار ناشکری بیم داشتند که مبادا وضعیت زندگی آنها را از وضع موجود، بدتر شود. «اعتراض نسبت به نامالایمات زندگی باعث خشمگین شدن خدا و تشدید شدن آن خواهد شد؛ چون خدا یک چیزی می داند که من نمی دانم، او ناراحت می شود و بدتر می کند تا من بفهمم که نباید اعتراض کنم» (شرکت کننده ۲۰).
«موافقم، علت این پاسخ تجربه شخصی است، شاید هم به صلاحم است، ولی چون این موقعیت را دوست ندارم موضع گیری می کنم» (شرکت کننده ۱۳). آنچه از آیات قرآن مبنی بر ناله و شکوه حضرت آدم از کار خود، به درگاه خدا (اعراف: ۲۳) و حضرت ایوب از بیماری خود (انبیاء: ۸۳) و حضرت موسی، از فقر و نداری (قصص: ۲۴) و حضرت یعقوب از فراق فرزند (یوسف: ۸۸) فهمیده می شود، این است که شکایت بردن و اعتراض به نزد خداوند مانعی ندارد. آنچه مذموم است، سکوتی است که بر قلب واعصاب فشار می آورد و سلامت انسان را به مخاطره می اندازد و یا ناله و فریاد در برابر مردم است که موقعیت انسان را پایین می آورد (قرآنی، ۱۳۸۸، ج ۴، ص ۲۶۸).

۱۴. شک در برخی از صفات خداوند

با توجه به نتایج تحقیق، یکی دیگر از خدانگارهای نادرست، شک در برخی صفات خداوند است:

الف. شک در کریم بودن خداوند

هرچند خداوند در قرآن، خود را با وصف کریم معرفی کرده است (نمل: ۴۰)؛ اما محروم بودن از برخی نعمات و وسایلی

راحتی و آسایش و برآورده نشدن درخواست‌هایی که بر انجام آنها اصرار داریم، موجب می‌شود تا در کریم بودن خداوند شک کنیم. «اینکه خداوند روزی ما را بیش از این مقدر نکرده و از دادن برخی نعمت‌ها محروم کرده و به درخواست‌هایی که عاجزانه از درگاهش می‌کنیم، پاسخ نمی‌دهد، موجب می‌شود که به کرمش شک کنیم» (شرکت‌کننده ۹).

ب. شک در عدالت خداوند

برخلاف آنچه از قرآن مبنی بر عدل خداوند، برداشت می‌شود (نحل: ۹۰) وجود تفاوت‌ها در بین انسان‌ها، اعم از فردی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و... موجب شده که برخی از وضعیت موجود، احساس نارضایتی کرده و به عدالت خداوند شک کنند. این مطلب، از گفته دانشجویانی برداشت می‌شود که اعتقاد داشتند: «خداوند عادل نیست (شک)؛ چون برخی انسان‌های ظالم و غیرمقید به دستورات خداوند در رفاه زیاد هستند، ولی برخی انسان‌های مقید به دستورات خداوند در رنج و سختی به سر می‌برند» (شرکت‌کننده ۲۰).

«خداوند عادل نیست (شک)؛ چون در این دنیا انتقام انسان‌های مظلوم را از ظالم نمی‌گیرد» (شرکت‌کننده ۴).
«اینکه خدا به یکی انواع مختلف نعمت‌ها را عطا کرده، ولی به دیگری حداقل نیاز را نداده است موجب می‌شود تا به عدالتش شک کنیم.» (شرکت‌کننده ۱۳).

«تفاوت‌های فردی (اعم از زیبایی، سلامتی، ثروت، موقعیت و نژاد) که خداوند در میان ما و افراد بالاتر از ما قرار داده باعث می‌شود به عدالت خدا شک کنیم» (شرکت‌کننده ۳).

«خداوند عادل نیست (شک) که در مقابل گناه کسی، فرزندان یا نسل بعد از او با مشکلاتی مواجه می‌شوند» (شرکت‌کننده ۸).

ج. شک در خیر مطلق بودن خداوند

برخی از شرکت‌کنندگان، وجود بلاهای طبیعی مثل سیل، زلزله و... را دلیل بر شک در خیر مطلق بودن خداوند دانسته و برخی دیگر به عواملی چون بیماری، مرگ و داغ عزیزان اشاره کردند.

«خداوند چون عذاب دارد (سیل، زلزله و...) خیر مطلق نیست» (شرکت‌کننده ۸).

«بیماری، مرگ، داغ عزیزان و دیگر ناراحتی‌ها باعث می‌شود تا به خیر مطلق بودن خدا شک کنیم» (شرکت‌کننده ۳).

د. شک در هدایتگر بودن خداوند

برخی از شرکت‌کنندگان، بدون توجه به نقش اختیار در هدایت و گمراهی انسان‌ها (عنکبوت: ۶۹؛ نحل: ۱۰۴)، خداوند را مسبب این گمراهی می‌دانستند: «اینکه خدا از گمراهی عده‌ای (حتی کسانی که ما دعا می‌کنیم تا از گمراهی نجات یابند) جلوگیری نمی‌کند، تا آنها هم هدایت شوند موجب می‌شود به هدایتگر بودن او شک کنیم» (شرکت‌کننده ۹).

۱۵. نفی برخی از صفات خداوند

نفی عدالت خداوند، از مفاهیمی است که ذیل این مقوله قرار می‌گیرد. یکی از شرکت‌کنندگان در مصاحبه از مرتبه شک در عدالت خداوند بالاتر رفته، از همان ابتدا در تمامی سؤالات مطرح‌شده در زمینه عدالت خداوند، این عدالت را نفی کرد: «اگر حقی از من ضایع شود و تلاش‌هایم در جهت احقاق آن بی‌نتیجه باشد، باز به عدالت خدا شک می‌کنم. من به عدالت خدا معتقد نیستم» (شرکت‌کننده ۱۴).

۱۶. تصور فراموش شدن افراد توسط خداوند (به حال خود وا گذاشتن)

وجود مشکلات و سختی‌ها در زندگی و بر وفق مراد نبودن حوادث آن، موجب می‌شود تا برخی گمان کنند که خداوند آنها را فراموش کرده است: «خدا را به خاطر سلامتی بدن و مخلوقاتش شکر می‌کنم، ولی به دلیل مشکلات و سختی‌هایی که برایم پیش می‌آید، ناشکری می‌کنم که چرا به دنیا آمدم. می‌گویم اگر من نبودم، این مشکلات برایم پیش نمی‌آمد» (شرکت‌کننده ۲۰).

مراجعه به آیات قرآن، نشان می‌دهد که در چنین مواقعی، نه تنها خداوند انسان‌ها را به حال خود رها نکرده، بلکه اوضاع پیش‌آمده گاه به نفع او نیز خواهد بود، ولی به جهت عدم اطلاع از آن می‌نالد: «عَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَعَسَىٰ أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَّكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» (بقره: ۲۱۶).

۱۷. درک نادرست از عدالت خداوند

برخی از مصاحبه‌شوندگان، عدل را به معنای تساوی برقرار کردن بین بندگان داشته اظهار داشتند: «عدل خداوند به معنای برقرار کردن مساوات است» (شرکت‌کننده ۱۰).
«عدل خدا به معنای تساوی است و مانند پدر و مادر به همه بندها، به یک چشم نگاه می‌کند» (شرکت‌کننده ۸).

۱۸. درک نادرست از مفهوم عسر و حرج

متأسفانه برخی شرکت‌کنندگان، به بهانه اینکه خداوند راضی به در سختی قرار گرفتن بندگان نیست (قاعده نفی عسر و حرج) و دین اسلام دین راحت و آسانی است، از انجام دادن واجبات شرعی، چون گرفتن روزه، خواندن نماز، دادن زکات، رعایت حجاب و... شانه خالی می‌کنند: «خداوند راضی به در سختی قرار گرفتن بندگان نیست، خداوند رحمان و رحیم است و کوتاهی در انجام واجبات شرعی را می‌بخشد. انجام تکالیف شرعی به نفع خود انسان‌هاست و خداوند به آن نیازی ندارد و اگر در انجام آنها کوتاهی کنیم، در واقع از حق خودمان می‌گذریم» (شرکت‌کننده ۲).

این ادراک ناشی از درک نادرست از مصادیق حقیقی عسر و حرج و اصالت دادن به مصادیق واقعی آن در لسان برخی انسان‌هاست. مصداق حقیقی عسر و حرج را می‌توان با مراجعه به آیات قرآن، که نشئت‌گرفته از حقیقت مطلق است، به دست آورد. برای نمونه، قرآن کریم بیماری را از مصادیق عسر و حرج در حکم وجوب روزه دانسته و بیمار را از روزه گرفتن معاف دانسته است (بقره: ۱۸۵). همچنین، اضطراب را عامل رفع تکلیف شمرده است (مائده: ۳).

بحث و نتیجه‌گیری

خدانگاره یا تصور از خداوند، حالتی روان‌شناختی است که به چگونگی احساس فرد نسبت به خداوند و برداشت و درک فرد، مبنی بر چگونگی احساس خداوند نسبت به وی مربوط می‌شود (گریمز، ۲۰۰۷، ص ۱۴۰) و ممکن است هوشیار یا ناهوشیار، رشدیافته یا رشدنا یافته، سالم یا بیمارگونه، ساده یا پیچیده، و مفید یا خطرناک باشد (برآبادی و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۹). از آنجاکه براساس آموزه‌های اسلامی، میان انگاره ذهنی افراد از خداوند و نوع احساس و عملکرد آنها ارتباط وجود دارد (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۴)، چگونگی انگاره ذهنی ما از خداوند، به شدت در رفتار و تعامل ما با خدا و سایر انسان‌ها اثر می‌گذارد.

افرادی که انگاره ذهنی منفی از خداوند دارند، نمی‌توانند با او رابطه‌ای عاطفی و صمیمی برقرار کنند و به مقام عبودیت و محبت خداوند، که همان هدف خلقت است، نائل شوند. حتی اگر اهل عبادت هم باشند، عبادتشان ناشی از ترس و اضطراب است؛ نه از روی رابطه و اعتماد به خداوند که اساس دلبستگی به خداست (علیانسب، ۱۳۹۰، ص ۶۴). اما انگاره صحیح از خداوند موجب محبت افراد نسبت به خداوند و در نتیجه، تبعیت و پیروی از دستورات او خواهد شد (آل‌عمران: ۳۱).

انگاره ذهنی از خداوند به سبب اهمیتی که از لحاظ دینی و روان‌شناختی دارد، توجه نظریه‌پردازان روابط موضوعی و روان‌شناسان دین را جلب کرده است. در یک جمع‌بندی کلی، اقدامات پژوهشی و نظریه‌پردازی‌هایی که روان‌شناسان در خصوص دین ارائه کرده‌اند، در چهار قلمرو قرار می‌گیرد: ۱. پیگیری و تلاش برای توجیه، تبیین و تفسیر دین از لحاظ روانشناختی؛ ۲. توصیف دین سالم و ناسالم، با هدف تفکیک و تمایز بین لایه‌های مختلف سالم و ناسالم دین؛ ۳. مطالعه و بررسی آثار و پیامدهای روان‌شناختی دین، با هدف بررسی رابطه دین با سلامت روان، بیماری روانی، رفتارها و نگرش‌ها؛ ۴. تهیه و طراحی ابزارهای معتبر و مناسب برای سنجش باورها، اعتقادات، انگیزه‌ها و رفتارهای دینی (برآبادی و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۲۰). نتایج حاصل از این پژوهش، در قلمرو سوم و چهارم قابل بررسی است.

با توجه به اینکه قلب سلیم و روان سالم، تنها با خدانگاره صحیح از خدای متعال و اطاعت از تکالیف دینی در برابر عظمت مطلقه او به دست می‌آید و ارتباط با خالق هستی، می‌تواند احساس سعادت و خوشبختی را در انسان به وجود آورد، به گونه‌ای که حتی اتفاقی‌های ناگوار و مشکلات زندگی را خواست خداوند و گامی در جهت رشد و کمال خود بدانند، ضروری است که پیش از ارائه خدانگاره‌های صحیح از خداوند، خدانگاره‌های نادرست از او شناسایی شوند. این تحقیق، با استفاده از رویکرد کیفی و روش تحلیل محتوای تفسیری، به استخراج انگاره‌های ذهنی نادرست از خداوند پرداخته که حاصل آن ۱۸ خدانگاره نادرست است.

این موارد، نتیجه تحلیل محتوای گزاره‌هایی است که در مصاحبه با دانشجویان دانشگاه میبد به دست آمد و تمامی مراحل، اعم از روش تحلیل، شناسایی انگاره‌های ذهنی درست از نادرست و نام‌گذاری مفاهیم و مقوله‌ها، توسط دو تن از استادان در حوزه روان‌شناسی و مشاوره و چهار تن از کارشناسان علوم قرآن و حدیث، مورد بازبینی و در نهایت تأیید قرار گرفت. معیار سنجش خدانگاره‌های درست از نادرست، خدانگاره‌های صحیح مستخرج از قرآن و حدیث است.

یافته‌های این پژوهش، همسو با یافته‌های تحقیقاتی است که در حوزه سازه‌های دینی مانند خداانگاره، خداآگاهی و سلامت روان انجام گرفته است. مواردی همچون *برآبادی* و همکاران (۱۳۹۴)، *لارنس* (۱۹۹۷)، *غباری بناب* و *حدادی کوهسار* (۱۳۸۹)، *نورعلیزاده میانجی* و *بشیری* (۱۳۹۵ و ۱۳۹۱)، *زارعی* (۱۳۸۸)، *حسین ثابت* و *رادی* (۱۳۹۴)، *براد شاو* و همکاران (۲۰۰۸)، *فالانلی* و همکاران (۲۰۰۹)، *گرینوی* و همکاران (۲۰۰۳) اشاره کرد.

از یافته‌های این پژوهش، می‌توان به‌عنوان معیار تصور از خدا، در ارزیابی‌های روان‌شناختی و ارتقاء سلامت روان افراد استفاده کرد. با توجه به اینکه در ایران، مطالعات زیادی در حوزه، تصور از خدا انجام شده و مهم‌ترین نقطه ضعف این مطالعات، مقیاس‌های اندازه‌گیری و ابزار سنجش آنهاست که عمدتاً محدود به دین مسیحیت است و برای پیروان سایر ادیان، حداقل به سادگی قابل‌تعمیم نیست، سؤالات و نتایج این پژوهش، می‌تواند مبنای نظری و ابزار مناسبی برای سنجش تصور از خدا، مطابق با دین اسلام و فرهنگ ایرانی باشد.

از جمله محدودیت‌های این پژوهش، این است که در این پژوهش، به علت اینکه تنوع نمونه از بین نرود، کنترلی بر روی پایداری به فروع دین صورت نگرفت. از آنجاکه ممکن است انگاره‌های ذهنی افراد پایمند و غیرپایمند به فروع دین، با هم متفاوت باشد، پیشنهاد می‌شود که پژوهش‌هایی مشابه بر روی هر دو گروه به صورت جداگانه صورت گیرد. محدودیت دیگر، تعمیم نتایج تحقیق بر روی دیگر گروه‌های سنی و جنسیتی است. از آنجاکه جامعه آماری این پژوهش، دانشجویان دختر غیرالهیات دانشگاه میبد هستند، پیشنهاد می‌شود که پژوهش‌هایی مشابه در جامعه‌ای گسترده‌تر، با تنوع گرایش‌های مذهبی و جنسیتی در قشرهای مختلف جامعه صورت گیرد.

منابع

- نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق، قم، هجرت.
- ابن منظور، محمدبن مکرّم، ۱۴۰۸ق، *لسان العرب*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- بازرگان هرندی، عباس، ۱۳۹۳، *مقدمه‌ای بر روش‌های تحقیق کیفی و آمیخته*، چ چهاردهم، تهران، دیدار.
- برآبادی، حسین احمد، ۱۳۹۴، «مقایسه کیفیت تصور از خدا در بیماران افسرده و افراد سالم»، *فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی*، ش ۳۳، ص ۶۹-۹۶.
- برآبادی، حسین احمد و همکاران، ۱۳۹۴، «الگوی مفهومی ابعاد تصور از خدا براساس اسماء حسنا مبنایی برای مطالعات سبک زندگی اسلامی و روان‌شناسی دین»، *روانشناسی و دین*، ش ۳، ص ۵-۲۶.
- پرزور، پرویز و همکاران، ۱۳۹۴، «پیش‌بینی سلامت عمومی براساس تصور مثبت و منفی از خدا در دانشجویان»، *سلامت و مراقبت*، دوره هفدهم، ش ۱، ص ۳۰-۳۹.
- تریسی، ساراجی، ۱۳۹۴، *روش‌های تحقیق کیفی*، ترجمه حسین خنیفر و طاهره منیری شریف، تهران، مؤسسه کتاب مهربان نشر.
- جان کرسول، ویکی پلانو کلارک، ۱۳۹۰، *روش‌های پژوهش ترکیبی*، ترجمه علیرضا کیانمنش و جاوید سرایی، چ دوم، تهران، آبیژ.
- حراملی، محمدبن حسن، ۱۴۰۹ق، *وسائل الشیعه*، قم، مؤسسه آل‌البیت.
- حسین ثابت، فریده و مریم رادی، ۱۳۹۴، «بررسی رابطه درک از خدا و رضایت از زندگی در دانشجویان دانشگاه شیراز»، *پژوهش در دین و سلامت*، دوره اول، ش ۲، ص ۱۹-۲۷.
- حسینی، زهرا و فرامرز قراملکی، ۱۳۹۶، «خدا از مفهوم تا مدل‌های معرفتی»، *فلسفه دین*، ش ۱، ص ۲۱-۴۸.
- خاکساری، زهرا و زهره خسروی، ۱۳۹۱، «خدا؛ و تصور مثبت و منفی از او و رابطه آن با عزت نفس و سلامت روانی دانش‌آموزان»، *روان‌شناسی و دین*، سال پنجم، ش ۲، ص ۸۳-۹۸.
- ذکایی، محمد، ۱۳۸۱، «نظریه و روش در تحقیقات کیفی»، *علوم اجتماعی*، ش ۱۷، ص ۴۱-۶۹.
- زارعی، اقبال، ۱۳۸۸، «بررسی رابطه بین تصور از خدا و افسردگی در دانشجویان دختر و پسر دانشگاه‌های پیام نور و آزاد شهر میناب در سال ۱۳۸۵»، *گلینگ*، ش ۱۵-۱۶، ص ۲۱-۳۱.
- شهرستانی، محمدبن عبدالکریم، ۱۴۱۵ق، *الملل والنحل*، به کوشش محمد سید گیلانی، بیروت، دارالمعرفه.
- صادقی، منصوره‌سادات و همکاران، ۱۳۸۷، «والدین، خود و دیگران مهم: منابع تصور از خدا»، *علوم رفتاری*، دوره دوم، ش ۱، ص ۸۳-۹۶.
- صدوق، محمدبن علی، ۱۳۹۸ق، *توحید*، قم، جامعه مدرسین.
- _____، ۱۴۱۳ق، *من لا یحضره الفقیه*، چ دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- علیانسب، سیدحسین، ۱۳۹۰، «تصویر ذهنی از خدا و خاستگاه آن»، *روان‌شناسی و دین*، ش ۲، ص ۶۳-۷۷.
- غباری بناب، باقر، و علی‌اکبر حدادی کوهسار، ۱۳۸۹، «رابطه انگاره ذهنی از خدا با روان‌پریشی و جسمی‌سازی در دانشجویان»، *دستاورد‌های روانشناختی*، دوره چهارم، ش ۲، ص ۱۹-۳۴.
- قزائتی، محسن، ۱۳۸۸، *تفسیر نور*، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- کریمی، صدیقه و عبدالرضا نصر، ۱۳۹۲، «روش‌های تجزیه و تحلیل داده‌های مصاحبه»، *پژوهش*، سال ششم، ش ۱، ص ۷۱-۹۴.

- لاندين، رابرت ويليام، ۱۹۹۶، *نظریه‌ها و نظام‌های روان‌شناسی*، ترجمه یحیی سیدمحمدی، تهران، جامعه‌شناسان.
- مجلسی، محمداقبر، ۱۴۰۳ق، *بحار الأنوار*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- محمدپور، احمد، ۱۳۵۵، *روشن تحقیق کیفی ضد روش*، تهران، جامعه‌شناسان.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۷۱، *تفسیر نمونه*، چ دهم، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
- نورعلیزاده میانجی، مسعود و ابوالقاسم بشیری، ۱۳۹۵، «ساخت مقیاس خداآگاهی و بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی آن»، *اسلام و پژوهش‌های روانشناختی*، سال دوم، ش ۲، ص ۲۸-۷.
- نورعلیزاده میانجی، مسعود و همکاران، ۱۳۹۱، «رابطه خداآگاهی با خودآگاهی»، *روانشناسی و دین*، سال پنجم، ش ۳، ص ۵-۳۴.
- Bradshaw, M., Ellison, C. G., & Flannelly, K. J., 2008, "Prayer, God imagery, and symptoms of psychopathology", *Journal for the Scientific Study of Religion*, n. 47 (4), p 644-659.
- Gattis, Jay Paul, 2001, *Developing a Web Based Scoring Program Frothe God Image Inventory*, Presented to the Faculty of the Rosemead School of Psychology, Biola University.
- Grimes, 2007, In G. Moriarty & L. Hoffman (Ed.), *The God image handbook for spiritual counseling and psychotherapy* (p. 139-155), Binghampton, NY, Haworth Press.
- Grossman, C. L, 2010, *How America sees God*, USA Today, p. 1, 2A.
- Lawrence, RT., 1997, "Measuring the image of God: The God image inventory and the God image scales", *Journal of Psychology and Theology*, n. 25, p 214-226.
- Peloso, J. M, 2008, "Adult images of God: Implications for pastoral counseling", *Journal of Pastoral Counseling*, n. 43, p 15-31.